

بررسی انتقادی روش اقتصاد متعارف در سایه مبانی معرفت‌شناختی حکمای اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

۹۹

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیست و یکم / شماره ۸۳ / پاییز ۱۴۰۰

محمدعلی فراهانی فرد*

چکیده

روش‌های کاربردی علم اقتصاد تحت تأثیر روش بنیادین آن شکل می‌گیرد. مبادی معرفت‌شناختی به عنوان جزئی از روش بنیادین، در روش کاربردی این علم تأثیر دارد. علم اقتصاد متعارف در حال حاضر از روش فرضیه‌ای قیاسی به عنوان روش اصلی خود استفاده می‌کند و دیگر روش‌ها به عنوان مکمل این روش به کار می‌رود. فرضیه‌ها نیز به شکل عمده از میراث نظری علم اقتصاد به دست می‌آید و یافته‌های رشته‌های دیگر و مشاهدات تجربی به عنوان نقش ترمیمی برای اصلاح نظریات اصلی به کار می‌رود. بررسی انتقادی روش‌های مذکور بر اساس مبانی معرفت‌شناختی گویای این است که روش اصل موضوعی دارای آسیب استفاده از مقدمات غیریقینی در علم اقتصاد است. روش فرضیه‌ای قیاسی در مقدمات استدلال از مقدمات احتمالی استفاده می‌کند و در صورت، منحصر به رفع تالی به وسیله آزمون تجربی است. روش استقرایی نیازمند توجه به محدودیت‌های تعمیم است و روش‌های تفسیری تنها بر اساس مبانی و محدودیت‌هایشان قابل استفاده است. روش انتقادی نیز دارای آسیب اتکا به عقل عرفی است؛ در مقابل، حکمای اسلامی برای رفع این آسیب‌ها، از مقدمات یقینی نیز بهره می‌برند و از رفع تالی و وضع مقدم در روش قیاس استثنایی استفاده می‌کنند. روش استقرایی در این نگاه می‌تواند دارای سه شکل (تام، ناقص و دارای نتایج عملی) در علم اقتصاد اسلامی باشد و خروج از آن، سبب اشکال روش‌شناسی می‌گردد. روش تفسیری تنها در موضوعات تفسیرمحور مانند کنش اقتصادی انسان و شناخت موانع سیاسی به کار می‌آید و روش انتقادی بر اساس عقل متافیزیکی و قدسی می‌تواند نقش قابل توجهی در بعد تجویزی و سیاسی علم اقتصاد اسلامی داشته باشد.

*. سطح چهار حوزه علمیه قم، گروه فقه‌الاقتصاد مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی.

Email: mali.farahani@gmail.com.

واژگان کلیدی: بررسی انتقادی، روش‌شناسی، اقتصاد متعارف، اقتصاد اسلامی، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: B12, B13, B400, B410.

مقدمه

یکی از مسائل بنیادین علم اقتصاد، روش‌شناسی علم اقتصاد است. روش‌شناسی به تبع روش به دو گونه بنیادین و کاربردی تقسیم می‌گردد. روش‌شناسی بنیادین به مسائل بنیادی می‌پردازد و مبادی بنیادین دانش و نظریه را شناسایی می‌کند. این مبادی شامل مبادی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ... است. روش‌شناسی کاربردی، بر اساس آن مبادی بنیادی به شناسایی روش کاربردی تولید نظریات علمی اقتصاد می‌پردازد و بر اساس آن نظریات علمی اقتصاد شکل می‌گیرد (پارسانیا، ۱۳۹۲).

بنابراین در ارتباط با نظریه با سه لایه مواجهیم: ۱. روش و نظریه بنیادین: این لایه از مبانی بنیادین به وجود می‌آید و در برخی تعابیر پارادایم نامیده شده و مراد از آن، بستر عامی است که روش کاربردی و سپس نظریات جزئی در آن شکل می‌گیرد؛ برای مثال نظریه و روش اثبات‌گرا از مبادی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و سایر مبادی بنیادین متناسب با خود تشکیل شده است. ۲. روش کاربردی: از روش و نظریه بنیادین به روش نهایی و کاربردی تولید نظریه می‌توان دست یافت که در برخی متون، روش تکنیکال و یا روش تحقیق نامیده شده است. روش‌های کاربردی کمی، متناسب با نظریه اثبات‌گرا شکل می‌گیرد. ۳. نظریه نهایی: این نظریات بر اساس روش کاربردی و در بستر روش بنیادین شکل می‌گیرد. نظریات نهایی اثبات‌گرا در موضوعات مختلف در این لایه قرار دارد. توجه به معنای عام روش در نوشته‌های بلاگ (۱۳۸۰)، همایون کاتوزیان (۱۳۷۴)، دادگر (۱۳۷۹)، زریباف (۱۳۷۹) و رئیس‌دانا (۱۳۸۴) به چشم می‌خورد. توضیح بیشتر ساختار نظریات بر اساس نظریه ابتن‌نیازمند مجال دیگری است.

بر این اساس، گام آغازین برای اصلاح مسیر علم اقتصاد و زمینه‌سازی برای علم اقتصاد اسلامی توجه به روش‌شناسی و مطالعه انتقادی روش بنیادین و کاربردی اقتصاد متعارف بر اساس مبانی حکمای اسلامی است.

در اقتصاد متعارف آثار متعددی درباره روش‌شناسی علم اقتصاد در دسترس است. روش‌شناسی بنیادین علم اقتصاد امروزه تحت عنوان عام فلسفه اقتصاد قرار می‌گیرد و این کتب به مباحث متافیزیکی صرف اختصاص ندارد و مسائل معرفت‌شناسی و روش‌شناسی کاربردی را نیز در بر می‌گیرد. از این گذشته، این منابع همگی به تحلیل روش‌های علم اقتصاد پس از شکل‌گیری نظریات اقتصادی می‌پردازند و به عبارتی روش‌شناسی پسینی هستند. این آثار عمدتاً از نیمه دوم قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ به نگارش درآمده است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

فریدمن (Friedman, 1953) در مقاله مشهور خود به بررسی روش اقتصاد اثباتی و تبیین کارکرد انواع فروض در نظریات اقتصادی می‌پردازد. مک‌لاپ (۱۹۶۴) در برخی آثار خود به بررسی روش اقتصاددانان پرداخته است و منشأ عدم توافق اقتصاددانان را تفاوت دیدگاه روش‌شناختی آنها می‌داند (مک‌لاپ، ۱۳۷۶، ص ۶۴-۷۶).

پیرو مینی (۱۹۷۴) در کتاب *فلسفه و اقتصاد* به انتقاد شدید از رویکرد عقل‌گرایی دکارتی در اقتصاد می‌پردازد و راه‌حل را در بازگشت به مشاهده و تجربه و عالم واقع می‌بیند. مارک بلاگ (۱۹۸۰) در *روش‌شناسی علم اقتصاد* با مروری بر روش‌های علم اقتصاد، روش غالب در این علم را ابطال‌گرایی بی‌گزند می‌نامد (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۳۲۳). لارنس بلند (Boland, 1998) در *روش‌شناسی علم اقتصاد خرد جدید*، معتقد به منافع بیشتر و کارایی بهتر روش اقتصاد خرد غیرتعادلی در برابر روش تعادلی است. داو (۲۰۰۲) در *روش‌های جدید علم اقتصاد* مانند نگاه اجتماعی به علم اقتصاد، خطابه و پست‌مدرنیسم و جامعه‌شناسی معرفت علمی را مطرح و اتخاذ روش مناسب در علم اقتصاد را ضروری معرفی می‌کند. وی معتقد به واقع‌گرایی کثرت‌گرایانه است که روش‌های مختلفی را در آن می‌توان به کار بست (داو، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰).

دیویس و همکاران (Davis and others, 2004) رابطه فلسفه و اقتصاد را در کتاب خود پیگیری نموده‌اند. این کتاب در سه قسمت شامل مباحث اقتصاد سیاسی همانند فلسفه سیاسی، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی علم اقتصاد، هستی‌شناسی اجتماعی و هستی‌شناسی

علم اقتصاد است. هستی‌شناسی اجتماعی و رویکردهای جدید مورد توجه نویسندگان کتاب است.

ماسمن (Hausman, 2008) در کتاب خود در پنج بخش مباحث کلاسیک فلسفه اقتصاد، رویکردهای پوزیتیویستی و پوپری، اقتصاد دستوری و ایدئولوژی، شاخه‌ها و مکاتب علم اقتصاد و مسائل روش‌شناسی، رویکردهای جدید در روش‌شناسی علم اقتصاد را بررسی نموده است. این کتاب اگرچه بیشتر دارای صبغه هستی‌شناسی است ولی شامل مسائل غیرهستی‌شناختی نیز می‌گردد.

در میان آثار داخلی نیز برخی آثار به موضوع روش‌شناسی علم اقتصاد اختصاص یافته است. کاتوزیان در کتاب ایدئولوژی و روش معتقد است زمانی که آخرین توپ‌های جنگ دوم جهانی خاموش شد، اقتصاد اثبات‌گرا به عنوان عقیده جزمی جدید سر برآورد و روش برخورد پیش‌تجربه‌گرایانه را از میدان به در کرد. اگرچه نظریه اقتصادی پیش از جنگ و روش‌شناسی اقتصاد اثباتی، وارونه یکدیگر به حساب می‌آیند، ولی تغییری در محتوای اساسی و تحلیلی نظریه نوکلاسیک ایجاد نکرده‌اند. هر دو روش به این دلیل پذیرفته شدند که گویی می‌توانند راه و رسم کار اقتصاددانان را توجیه کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، صص ۴۶ و ۵۱).

زریباف به بررسی تفکیک اقتصاد اثباتی و دستوری، ابزارگرایی، توصیف‌گرایی و روش خطابی در علم اقتصاد پرداخته است و در کارایی و جامعیت روش تجربی در علم اقتصاد تردید نموده است (زریباف، ۱۳۷۹، صص ۴۷-۷۲).

رئیس‌دانا در کتاب رویکرد و روش در اقتصاد ضمن بررسی روش‌های دیگر، نظریه سازواره‌ای که توسط بلندیگ از نظریه سیستم‌ها وارد علم اقتصاد شده است را تبیین می‌کند و معتقد است در این رویکرد، روش‌های گوناگون مانند ساختارگرا، کردارگرا (Praxisism) و تاریخ‌گرا تفاوت‌های جدی خود را از دست می‌دهند و در خدمت دانش سازواره‌ای در می‌آیند (رئیس‌دانا، ۱۳۸۴، صص ۳۸۴).

رویکرد انتقادی به روش‌شناسی علم اقتصاد در میان اقتصاددانان اسلامی چندان به چشم نمی‌خورد و در غالب موارد به دنبال بازسازی علم اقتصاد موجود بر اساس رفتارهای اقتصادی مسلمانان هستند. این رویکرد صرفاً با تغییر انسان اقتصادی به انسان اقتصادی

مسلمان، در صدد بازطراحی همان مدل‌های موجود با اندکی تغییر است و تغییر روشی و ساختاری در علم اقتصاد را پیگیری نمی‌کند.

در این میان، شهید سیدمحمدباقر صدر معتقد است از دو راه می‌توان به علم اقتصاد اسلامی دست یافت: یکی از راه متداول تجربی است که به علت عدم تحقق موضوع فعلاً ممکن نیست؛ لذا این روش در اقتصاد اسلامی سالبه به انتفاء موضوع است و باید منتظر اجرای نظام اقتصاد اسلامی در جامعه ماند. راه دیگر، مسیر فرض‌های مسلم و تفسیر پدیده‌های اقتصادی بر اساس آن است که در پی آن، جهت‌گیری اقتصادی و مجرای حوادث استنتاج می‌شود. این راه درباره برخی حقایق اقتصادی جامعه اسلامی ممکن است؛ به این شکل که بر اساس مطالب مذهبی معین و استنتاج آثارشان در مجال تطبیق فرضی، به اثبات نظریه‌های عامی درباره بعد اقتصادی جامعه اسلامی پرداخته می‌شود؛ اما این روش به دو دلیل، دقت علمی لازم را نخواهد داشت: یکی جدایی واقعیت اقتصادی از فرضیه اقتصادی و دیگری تأثیر قابل توجه عامل روحی و فکری در جامعه اسلامی است؛ بنابراین از نظر ایشان روش عقلی در کشف دانش اقتصاد اسلامی چندان مفید نبوده و روش تجربی، موضوعش محقق نیست (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۷-۳۱۹).

عزتی با بیان اینکه بخشی از اقتصاد اسلامی در جوامع اسلامی پیاده شده، قائل به امکان استفاده از مصادیق تجربی در پژوهش اقتصاد اسلامی است (عزتی، ۱۳۸۳، ص ۸۹). نظریه‌پردازان با طرح امکان اقتصاد آزمایشگاهی برای نظریات اسلامی اقتصادی در صدد جبران مشکله شهید صدر درباره عدم تحقق نظام اقتصادی اسلامی است و بر این اساس، راهی برای دستیابی به علم اقتصاد اسلامی یافته است (نظریه‌پرداز، ۱۳۸۴، ص ۱۱-۴۴). سایر اقتصاددانان مسلمان نیز هر کدام به نوبه خود، رویکرد بازسازی رفتاری را پیگیری نموده‌اند و سعی نموده‌اند بر اساس رویکرد دوم مورد نظر شهید صدر، علم اقتصاد اسلامی را توسعه دهند. این رویکرد در آثاری با عناوین آشنای خرد، کلان و توسعه اسلامی انتشار یافته است.

اما برخی نیز با این رویکرد غالب مخالفت نموده و روش اقتصاد متعارف را در معرض نقد قرار داده‌اند. از نظر دادگر، اقتصاد اسلامی در محدوده کلام جدید قرار می‌گیرد. ایشان با اعتقاد به چند روشی، قائل به اشتراک منابع شناخت اقتصاد اسلامی می‌شود. بر این مبنای

کاربرد روش‌های عقلانی، تجربی و شیوه‌های مبتنی بر نقل، وحی، الهام، شهود و حتی ابعادی از هرمنوتیک در اقتصاد اسلامی قابل توجه است (دادگر، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

عیسوی با اشاره به تأثیر مبانی معرفت‌شناختی بر روش‌شناسی علوم، محتوای نظریه‌های علمی و قلمروی علوم معتقد است پذیرش نوعی خاص از معرفت‌شناسی مستلزم اتخاذ روشی خاص در بررسی مسائل اقتصادی است. پذیرش عقلانیت جامع‌نگر اسلامی، این امکان را برای نظریه‌پرداز اقتصاد اسلامی فراهم می‌سازد تا خود را محصور در روش‌های تجربی و ریاضی نسازد؛ بلکه به تناسب موضوعات، از روش‌های گوناگون تحلیل استفاده نماید و به‌ویژه اثرپذیری رفتار اقتصادی را از آموزه‌های دینی تبیین کند (عیسوی، ۱۳۷۹، ص ۹).

میرمعزی اما دو نوع علم اقتصاد اسلامی را به رسمیت می‌شناسد که یکی مطلق و دیگری مشروط است. علم اول به وصف و تبیین پدیده‌های اقتصادی در جوامع انسانی می‌پردازد و روش و قوانین آن مبتنی بر جهان‌بینی و مبانی معرفت‌شناختی اسلامی است و علم مشروط علاوه بر اسلامی بودن در روش، موضوعش نیز پدیده‌های اقتصادی در جامعه اسلامی مطلوب و فرضی است که در آن، قواعد مذهب و عناصر نظام اقتصادی اسلام تحقق یافته است (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱-۱۴۲).

درخشان، شرایط عینی اجتماعی را عامل اصلی تکوین نظریات اقتصادی می‌داند. از این نگاه، هرچه نظریات اقتصادی از عینیت فاصله بگیرد و به ذهنیت نزدیک شود دچار اشکالات بنیادی‌تری خواهد شد. بر این اساس، نظریات ریکاردو، مارکس و برخی فیلسوفان بزرگ از آسیب ذهن‌گرایی رنج می‌برد. نظریات اقتصاد اسلامی نیز که بدون توجه به شرایط عینی شکل‌گیری نظریات اقتصادی، اقدام به ترمیم و اسلامی‌سازی نظریات موجود می‌کند دچار آسیب روش‌شناختی فوق است (درخشان، ۱۳۹۴).

توکلی برخی مسائل معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علم اقتصاد متعارف و اسلامی را بررسی نموده است (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۴۱-۶۲). وی در کتابی دیگر به بررسی مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد می‌پردازد. بخشی مستقل از این کتاب به مبانی روش‌شناسی اقتصاد اسلامی اختصاص یافته است (توکلی، ۱۳۹۸).

همان‌طورکه مشاهده شد، روش‌شناسی یکی از مسائل اصلی علم اقتصاد است و این مسئله دغدغه بسیاری از اندیشمندان را به خود اختصاص داده و هر کدام به گونه‌ای در پی پاسخ به آن بوده‌اند. در این مقاله پیشنهاد می‌گردد برای حرکت به سمت اقتصاد اسلامی، روش اقتصاد متعارف مورد بررسی انتقادی قرار گیرد. این بررسی بر اساس مبانی حکمای اسلامی انجام خواهد گشت و زمینه برای تطبیق مبانی حکمای اسلامی در علم اقتصاد فراهم می‌گردد. تمایز نوشتار حاضر، ورود تفصیلی به بررسی انتقادی روش اقتصاد متعارف بر اساس مبانی حکمای اسلامی است. در این نوشته، نتایج ایجابی مبانی مذکور به شکل اجمالی مورد اشاره واقع شده و بررسی نتایج روش‌شناختی تفصیلی آن برای اقتصاد اسلامی نیازمند مجال دیگری است.

روش این مقاله در بررسی روش‌های حاکم بر علم اقتصاد، تحلیلی تاریخی و در بررسی آن بر اساس آرای حکمای اسلامی، تحلیلی انتقادی است.

سیر تطورات روش کاربردی در علم اقتصاد

تطورات روشی به شکل عمده در پی تحولات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی در علم اقتصاد رخ داده‌اند. یکی از آثار تغییرات و تحولات معرفت‌شناختی، گرایش از روش اصل موضوعی به روش فرضیه‌ای قیاسی در علم اقتصاد است. علم اقتصاد البته هیچ‌گاه به شکل کلی، این روش‌ها را رها نکرده است بلکه مراد جریان غالب در روش علمی اقتصاد است. به این منظور ابتدا روش اصل موضوعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از این روش، روش استقرایی و مختصری از روش فرضیه‌ای قیاسی و روش تفسیری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه وضعیت موجود روش کاربردی علم اقتصاد تحلیل می‌گردد.

۱. روش اصل موضوعی

این روش کاربردی در زمینه روش بنیادین عقل‌گرایی دکارتی توسعه یافته است و روشی برای ساماندهی مجدد گزاره‌ها و مفاهیم پذیرفته‌شده یک دانش موجود به منظور افزایش یقین به گزاره‌ها و وضوح بیشتر مفاهیم است (Audi, 1999, p.65).

روش اصل موضوعی در ماده استدلال از اصول موضوعه آغاز می‌کند و در صورت آن، از روش قیاسی استفاده می‌نماید. بدین لحاظ این روش پیشینی نامیده می‌شود؛ چراکه ابتدا

با آن اصول موضوعه، قیاسی را طراحی می‌کند و نتیجه صادق را از مقدمات که همان اصول هستند، به دست می‌آورد (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۹۴).

این اصول موضوعه در خردگرایی دکارت از گزاره‌های فطری که روشن و متمایز است به دست می‌آید. نمونه بارز آن، هندسه اقلیدسی است که از یک سری اصول موضوعه آغاز می‌شود که در آن سیستم اثبات نمی‌شوند و مشتمل بر قواعدی است که بر اساس قوانین منطق از آن اصول موضوعه استنتاج می‌شوند (Rosenberg and Balashov, 2002, pp.129-131).

در علم اقتصاد، این روش از آغاز شکل‌گیری علم اقتصاد به کار رفته است. در این روش، گزاره‌ها بدون اینکه در نظریه اثبات یا تعریف شوند به عنوان اصول موضوعه به کار می‌روند و علم اقتصاد، نظامی از استنتاج‌های محض از میان یک رشته اصول موضوعه است که از تجربه درونی استخراج شده است؛ ولی نمی‌توان آن را بر مبنای تجربه بیرونی اثبات کرد (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵). تفاوت اصول موضوعه (Axioms) با فروض (Assumptions) این است که فروض موقتی و برای تسهیل فهم و تصویر نظریه و یا محاسبه به کار می‌روند؛ ولی اصول موضوعه به عنوان مقدمه و یا مبانی در فرایند استدلال قرار می‌گیرند.

البته این‌گونه نیست که کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها تمام اصول موضوعه خود را با شهود درونی به دست آورده باشند، بلکه در بسیاری مواقع آن را از علوم دیگر مانند فلسفه سیاسی و اخلاق تأمین می‌کردند. پیرو مینی، استفاده از قواعد ریاضی و مکانیکی و نگاه ماشینی به انسان را جزو این اصول موضوعه می‌داند که نظریات اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. وی همچنین از قانون بازدهی نزولی که از زمان ریکاردو در بسیاری از نظریات اقتصادی برای خود جایی پیدا کرده است به عنوان اصل موضوع نام می‌برد (مینی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱-۱۳۷).

در ادامه به چند نمونه از نظریات اقتصادی به دست آمده بر اساس روش اصل موضوعی اشاره می‌کنیم: ۱. به شکل معمول، یکی از اصول موضوعه در نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک، وجود وضعیتی طبیعی است که دارای قانونی طبیعی است و هدف اقتصاددان کشف این قانون طبیعت است. این حاکی از یک هستی‌شناسی خاص نسبت به

جهان است که در قالب این اصل موضوع در نظریات استفاده شده است (دادگر، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴)؛ ۲. هیوم نمونه‌ای از این نحوه استدلال را در «مکانیسم گردش پول در تجارت و قیمت‌ها» به تصویر کشید. هیوم و لاک این اصل را بنا نهادند که تغییر در عرضه پول، منجر به تغییری به همان نسبت در قیمت‌ها می‌شود و متغیرهای واقعی اقتصاد بدون تغییر باقی می‌ماند؛ به شرط تجارت آزاد، موازنه مازاد بازرگانی خود موجب پیدایش عامل تصحیح‌کننده خویش از طریق جریان پول به داخل و حرکت متقابل و همزمان قیمت می‌شود. اساس استدلال او بر اموری فرضی استوار بود: از بین رفتن مقداری معین از موجودی پول یک کشور به همان نسبت قیمت را کاهش می‌دهد و در نتیجه موجب تشویق صادرات و عدم تشویق واردات می‌شود و درست همان مقدار پولی را که ابتدا از بین رفته برمی‌گرداند. هیوم، هیچ دلیلی برای این نتیجه‌گیری مهم ذکر نمی‌کند و در واقع نیازی به آن نیست؛ چراکه صرفاً از بعضی خواص ریاضی نسبت‌ها و نیز از توانایی ذهن برای دیدن شباهت‌ها به دست آمده است (تفضلی، ۱۳۹۸، ص ۷۷)؛ ۳. نمونه دیگر، تصور بتنام از منشأ اعمال بشری است. اگرچه پیش‌فرض تمامی تفکرات اقتصادی این است که بازیگران اقتصادی (کارگران و کارآفرینان اقتصادی) موجوداتی آزادند، ولی در مواجهه شدن با رویدادی خاص مثل تغییر در مالیات‌ها، کاهش دستمزدها با «هماهنگی فوق‌العاده» رفتار می‌کنند و حتی می‌توان گفت که با بی‌فکری یک آدم آهنی عمل می‌کنند (مینی، ۱۳۷۵، صص ۵۱-۵۹، ۸۵، ۱۷۰-۱۷۱، ۳۷۳)؛ ۴. قانون بازدهی نزولی می‌گوید در صورتی که زمین و سرمایه را ثابت نگاه داریم، با افزودن هر واحد کار، پس از یک نقطه معین، تولید اضافی کمتر و کمتری حاصل می‌شود. برای آزمودن این قانون فقط باید نیروی کار متجانس افزوده شود که در خارج موجود نیست. در چه مدتی باید آزمایش روی یک قطعه زمین انجام شود؟ زمین در این نظریه، خصوصیات اولیه خود را چطور حفظ می‌کند؛ درحالی‌که هر چه از زمینی بیشتر محصول برداشت کنیم، بازدهی آن کاهش می‌یابد. این نظر که بازدهی نزولی پس از یک «نقطه به‌خصوص» نامشخص شروع می‌شود، آزمایش مورد بحث را پیچیده‌تر می‌سازد (همان)؛ ۵. نظریه جمعیت مالتوس می‌گوید هر ۲۵ سال جمعیت دو برابر می‌شود و اگر این‌طور نشود به خاطر کمبود غذا است (تفضلی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰)؛ ۶. بر اساس قانون سی، هر چه تولید شود تقاضای خود را در پی دارد (همان، ص ۱۲۷).

اینها نمونه‌هایی از نظریات اصل موضوعی است. روش اصل موضوعی شکل پیچیده‌تری نیز دارد و آن اضافه نمودن فرض ساده‌ساز و یا ایدئال به نظریات است. جهان دو کالایی و عدم وجود نیروهای مزاحم نمونه‌ای از فرض ساده‌ساز در نظریات کلاسیک است. مطالعه اقتصاد به شکل ایستا و فرض بازار رقابت کامل از ویژگی‌های جریان مارژینالیست و دوران نئوکلاسیک‌های اقتصادی است؛ بنابراین با دوگونه روش اصل موضوعی در علم اقتصاد مواجهیم: ۱. روش اصل موضوعی ساده؛ ۲. روش اصل موضوعی بر اساس فرض.

۲. روش استقرایی و تجربی

روش بنیادین حس‌گرایی در علم اقتصاد، دو روش کاربردی استقرا و تجربه را به ارمغان آورده است. اقتصاددان در استقرا به دنبال رسیدن به نظریه است که دو شکل اولیه و کامل شده دارد؛ اما در آزمون و تجربه، اقتصاددان به دنبال سنجش یک فرضیه از قبل موجود است. این روش هم ابتدا شکلی ابتدایی داشته که بعدها با روش‌های پوپر و مطالعات اقتصادسنجی تکمیل گشته است.

روش استقرای تاریخی توسط مکتب تاریخی در علوم اجتماعی مطرح گشت و به علم اقتصاد نیز راه یافت. مکتب تاریخی آلمان مابازای آزمون تجربی در علوم طبیعی است (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷).

جدال گوستاو ون /شمولر و کارل منگر با منازعه بر سر استفاده از روش تاریخی و استقرا و روش قیاسی در اقتصاد شکل گرفت. مکتب اتریش به رهبری منگر روش قیاسی را پیشنهاد می‌کرد و بر اهمیت نظریه محض تأکید می‌نمود. در مقابل، /شمولر استقرا را مطرح می‌نمود. مکتب تاریخی آلمان با انتقاد از روش‌های غیرتاریخی علم، معتقد به استفاده از روش استقرا و مطالعه تاریخی برای رسیدن به قوانین کلی در علم اقتصاد بود؛ بنابراین در علم اقتصاد یک رویکرد، مطالعه استقرایی و تاریخی است (Encyclopedia Britannica, 2011).

روش دیگر که تحت تأثیر حس‌گرایی شکل گرفت، اثبات نظریه‌های اقتصادی با آزمون تجربی است. این روند بعدها با نظریه ابطال‌گرایانه پوپر کامل گشت. بر اساس نظر پوپر،

نظریه قابل اثبات با آزمون تجربی نیست؛ ولی می‌توان آن را ابطال نمود. اقتصادسنجی سستی بر توسعه نظریه پوپر استوار است (دیناردو و جانستون، ۱۳۸۸). روش استقرا نیز با پیشرفت رویکردهای آماری و ظهور اقتصادسنجی دچار تحولاتی شد و نتیجه‌گیری‌های آماری شکل دیگری به خود گرفت و تبدیل به نتیجه‌گیری کلی از استقرای ناقص شد.

بنابراین بر اساس آنچه گذشت با چهارگونه استدلال حس‌گرا در علم اقتصاد مواجهیم که ابتدا دارای شکل ابتدایی بوده و سپس بر اساس روش‌های جدید آماری و اقتصادسنجی دچار تغییراتی شده است: ۱. استقرای اولیه بر اساس مشاهدات تاریخی؛ ۲. استقرای آماری با روش‌های پیشرفته آماری؛ ۳. آزمون تجربی اولیه؛ ۴. آزمون تجربی پیچیده با روش‌های اقتصادسنجی. روش اخیر در ادامه به شکل مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. روش فرضیه‌ای قیاسی

روش فرضیه‌ای قیاسی در دو بعد عوامل عینی اجتماعی و عوامل منطقی شکل‌گیری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علل عینی اجتماعی شکل‌گیری روش فرضیه‌ای قیاسی: همان‌طور که گذشت، در علم اقتصاد ابتدا از روش اصل موضوعی ساده استفاده می‌شد که بر اساس شهود درونی و یا نتایج سایر علوم به نظریاتی می‌رسد. سپس این روش تبدیل به روش اصل موضوعی متکی بر فروض گشت. در این روش، علاوه بر استفاده از اصول موضوعه، یک سری فروض ساده‌ساز مانند جهان دو کالایی نیز اضافه شد. تنها آزمون و ملاک در دسترس برای بررسی نظریات در آن دوره، سازگاری نظری بود. با ورود جریان تجربی به مطالعات علمی، این جریان پیروانی در علم اقتصاد برای خود یافت؛ ولی این رویکرد در جریان اصلی علم اقتصاد چندان طرفدار نیافت. اثر مطالعات تجربی در جریان اصلی علم اقتصاد، شکل‌گیری روشی جدید تحت عنوان روش فرضیه‌ای قیاسی بود. بر اساس این روش، نظریاتی که پیشاپیش در علم اقتصاد موجود بود مورد آزمون قرار می‌گرفت و در صورت نیافتن نقض همچنان حکم به صحت آنها می‌شد. انگیزه اصلی اقتصاددانان برای استفاده از این روش، حفظ میراث نظری گذشته و مقاومت در برابر جریان تجربه‌گرایی در علم اقتصاد بود. مارک بلاگ این روش را نوعی ابطال‌گرایی بی‌خطر می‌نامد (بلاگ، ۱۳۸۰).

عوامل و ابعاد منطقی شکل‌گیری روش فرضیه‌ای قیاسی: به لحاظ منطقی این روش،

سنتز روش بنیادین عقلی و تجربی است و با توجه به مبنای نام‌گرایی و فقدان کلیات شکل گرفته است و به استفاده از فروضی که مهم نیست از کجا تأمین شده باشد به جای اصول موضوعه واقعی روی آورده است. کنارگذاشتن رسمی استقرا و رفتن به سوی روش فرضیه‌ای قیاسی توسط جان نویل کینز (پدر جان مینارد کینز) اتفاق افتاد. روش فرضیه‌ای قیاسی ابطال‌گرایان در بخش ابطال از داده‌های حسی استفاده می‌کند. این روش با یک یا چند پیش‌فرض یا آکزیوم، یک فرضیه می‌سازد. این پیش‌فرض‌ها ممکن است نتیجه یک استدلال استقرایی دیگری باشند که جان نویل کینز به آن اشاره می‌کند. از آنجاکه خود این فرضیه معمولاً دارای محتوایی غیرقابل تجربه و مشاهده مستقیم است، به وسیله روش قیاسی برخی نتایج تجربی آن به دست آمده و سپس مورد آزمون قرار می‌گیرد. اگر این نتایج با آزمون تأیید شود، نظریه به شکل غیرمستقیم تأیید می‌شود و اگر نتایج موافق آزمون نبود آن نظریه رد می‌گردد (Rosenberg, 2005, p.76).

اگرچه شاید نتوان مستندی برای الهام کینز پدر در اقتصاد از پوپر یافت؛ ولی پوپر اولین کسی است که در مباحث فلسفه علم، به تبیین نظریه ابطال‌گرایی پرداخته است. مراحل شکل‌گیری روش فرضیه‌ای قیاسی نزد پوپر به ترتیب زیر است: ۱. ارائه یک فکر، یک حدس و گمان، یک فرضیه یا مجموعه‌ای از فرضیه‌ها؛ ۲. استنباط یک یا چند نتیجه منطقی با کمک فرضیه‌های دیگر که قبلاً پذیرفته شده است. این نتایج پیش‌بینی‌های آزمون‌پذیر هستند؛ ۳. بررسی پیامدهای منطقی فرضیه برای احتراز از تناقض؛ ۴. بررسی تجربی و علمی بودن یا همان‌گویانه بودن آن؛ ۵. بررسی اینکه آیا این نظریه در صورت پذیرش، کمکی به پیشرفت علم در مقایسه با نظریه‌های رقیب می‌کند؛ ۶. آزمون نظریه و اینکه چقدر توقعات تجربه را برآورده می‌سازد. این مرحله می‌تواند به رفع یا وضع مقدم یا تالی بینجامد (Popper, 2002, p.9).

در مجموع، در این قسمت نیز با دو نوع روش فرضیه‌ای قیاسی مواجهیم: ۱. روش فرضیه‌ای قیاسی بر اساس حدس‌های متهورانه و مقدماتی که از هر جا قابل تأمین است؛ ۲. روش فرضیه‌ای قیاسی بر اساس میراث نظری علم اقتصاد. اقتصاددانان که سعی حداکثری در حفظ نظریات علم اقتصاد داشتند، بیشتر سراغ روش دوم رفتند.

۴. روش‌های کیفی-تفسیری

روش بنیادین تفسیری در علوم انسانی به تفسیر واقعیت‌های انسانی که هدفمند و آگاهانه هستند می‌پردازد و جهان را نیز به مثابه متنی نیازمند تفسیر می‌بیند. بر اساس این روش بنیادین در علوم انسانی روش‌های کیفی شکل گرفته است که به جای کمیت‌های مقداری به مطالعه اوضاع و احوال کیفی انسان‌ها می‌پردازد و انسان را به اعتبار کنش آگاهانه و ارادی نیازمند فهم و توضیح می‌بیند. استراس می‌گوید: «منظور از تحقیق کیفی عبارت از هر نوع تحقیقی است که یافته‌های آن با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند» (استراس و کورین، ۱۳۹۰، ص ۱۹). این شیوه پژوهش ریشه در این فرض دارد که محیط اجتماعی به عنوان تفسیرهایی به وسیله افراد ساخته می‌شود و لذا نیازمند تفسیر است (گال و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵۹). اگرچه روش‌های مذکور بر اساس رویکرد تفسیری شکل گرفته ولی برخی از آنها قابل ترکیب با رویکردهای اثبات‌گرا و یا انتقادی است (اعرابی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴-۱۳۸). در ادامه توضیحی از مراحل و انواع روش تحقیق کیفی و کاربرد آن در اقتصاد ارائه می‌گردد.

روش‌های تحقیق کیفی از سه مرحله کلی: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری تشکیل شده است. نام‌گذاری روش‌ها نیز معمولاً بر اساس الگوی مورد استفاده در مراحل آن انجام می‌گیرد و لذا ممکن است یک روش در طبقه‌بندی‌های مختلف نام‌ها و تقسیمات متفاوتی داشته باشد. روش تحلیل داده‌ها در روش‌های کیفی به سه گروه تأویل‌شناسی (Hermeneutics)، نشانه‌شناسی (Semiotics) و روایت و استعاره (Narrative and metaphor) تقسیم می‌شود. نشانه‌شناسی خود دارای سه گونه تحلیل محتوا (Content analysis)، تحلیل گفت‌وگو (Conversation analysis) و تحلیل گفتمان (Discourse analysis) است. تحلیل محتوا به دنبال رسیدن به ارجاع‌های معتبر و تکرارپذیر از داده‌هاست تا ساختار و نظام‌های مشخصی را در متن ردیابی کند و به وسیله آن به استنتاج معتبر دست یابد. تحلیل گفت‌وگو به دنبال شناسایی معانی در بافت محاوره است. تحلیل گفتمان بر پایه بازی‌های زبانی به عنوان مجموعه‌ای از تعامل‌ها و کنش‌های کلامی است که در آن استعاره و تمثیل نقش مهمی دارد (همان). البته این روش‌ها به مطالعه واقعیت‌های متنی اکتفا نکرده و واقعیت‌های انسانی را از زاویه متن‌محوری مطالعه می‌کنند. بر این

اساس، انواع روش‌های کیفی عبارت‌اند از ۱. نظریه زمینه‌ای (Grounded theory)؛ ۲. مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری؛ ۳. پدیدارشناسی (Phenomenology)؛ ۴. تحلیل گفتمان؛ ۵. تأویل‌شناسی یا هرمنوتیک؛ ۶. نشانه‌شناسی؛ ۷. جامعه‌سنجی (Sociometry)؛ ۸. تحقیق زندگی‌نامه‌ای (Biographical)؛ ۹. کردارشناسی (Ethnology)؛ ۱۰. روش تحقیق دلفی (ر.ک به: رحمان‌زاده، ۱۳۹۳/ استراس و کوربین، ۱۳۹۰).

روش بنیادین تفسیری در علم اقتصاد نیز دارای شکل‌های مختلفی شده و در مکتب اتریش، رئالیسم انتقادی، پست‌مدرنیسم و برخی رویکردهای فمینیسم تحقق یافته است. ویژگی مشترک این مکاتب، توجه به لزوم فهم معنای ذهنی در علم اقتصاد است. مکتب اتریش این معنا را در ذهن افراد جست‌وجو می‌کند؛ درحالی‌که رئالیسم انتقادی در پی معنای اقتصادی در ذهن اجتماعی است. روابط قدرت و ثروت مورد توجه منتقدان و پست‌مدرن‌های اقتصادی قرار گرفته است و آنها از تفسیر به عنوان مقدمه‌ای برای روش انتقادی استفاده می‌کنند. علیرغم رواج برخی گونه‌های روش کیفی در علم اقتصاد، اما همه انواع آن در جریان اصلی علم اقتصاد کاربرد ندارد و تنها برخی اجزا و یا ترکیبی از آنها در علم اقتصاد به کار رفته است. انواع روش‌های کیفی - تفسیری موجود در علم اقتصاد شامل روش‌های زیر است:

۱. روش‌های کیفی پرسش‌نامه‌ای و مصاحبه‌ای؛ این روش‌ها در برخی مطالعات میدانی اقتصادی مثلاً برای شناسایی عوامل مختلف بیکاری در یک منطقه خاص، پرسش‌نامه و مصاحبه‌هایی طراحی می‌شود و اطلاعات خام به دست آمده بر اساس روش‌هایی تحلیل و سازمان می‌یابد.

۲. روش‌هایی که برای شناسایی مسئله یا موضوعی خاص به مطالعات پرسش‌نامه‌ای نخبگانی می‌پردازد و سپس نتایج را مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌دهد. روش دلفی یکی از این روش‌هاست که عمدتاً برای پیش‌بینی و آینده‌نگری به کار می‌رود. این روش ابتدا در مؤسسه رند (۱۹۴۸) برای بررسی علمی نظرات کارشناسان در پروژه‌های نظامی گسترش یافت و سپس توسط هلمر و نیومن (۱۹۶۴) در عرصه‌های غیرنظامی مطرح گشت. انواع مختلف این روش به سرعت در کشورهای مختلفی استفاده شده است. به‌طورکلی این روش دارای سه گونه است: یک) دلفی کلاسیک برای پیش‌بینی و تحلیل شاخص‌های ناشناخته با

رسیدن به توافق صاحب‌نظران درباره پیشرفت‌های آینده کاربرد دارد. دو دلفی سیاستی برای شناختن نظرات مخالف جهت انتخاب مناسب‌ترین سیاست است. سه دلفی تصمیم‌گیری برای دستیابی به تصمیمات مشترک گروهی است. این روش امروزه در تحلیل امور مالی و سیاست‌های اقتصادی نیز کاربرد فراوانی دارد (علیدوستی، ۱۳۸۵، ص ۸-۲۳). کاربرد این روش در مقالات اقتصادی به چشم می‌خورد (نظری‌پور و الله‌دادی، ۱۳۹۶).

۳. روش هرمنوتیک: مک‌لاسکی در مطالعات خود از تحلیل محتوا و هرمنوتیک برای شناسایی فرایند درونی علم اقتصاد به مثابه یک خطابه استفاده نموده است (متوسلی و رستمیان، ۱۳۸۸)؛ هرمنوتیک روشی است که فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می‌کند و به عبارت دیگر، هنر دستیابی به فهم کامل و تام عبارات‌های گفتاری و نوشتاری است (رحمان‌زاده، ۱۳۹۳).

۴. روش بازخوانی و شالوده‌شکنی برای رسیدن به روابط قدرت و ثروت در ادبیات انتقادی و رئالیست‌های انتقادی. برخی طرفداران اقتصاد سیاسی نیز از این روش در تحلیل نهادهای اقتصادی استفاده می‌کنند (مؤمنی، ۱۳۹۹).

۵. روش‌های ترکیبی که از مجموعه‌ای از روش‌های مذکور در فرایند پژوهش استفاده می‌کنند. روش‌های ترکیبی در علم اقتصاد، از روش‌های کیفی برای کشف و تحلیل معنای مورد نظر و از روش‌های کمی و آماری برای آزمون نظریات و بررسی معناداری پیش‌بینی‌ها استفاده می‌کند (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۴).

۵. وضعیت موجود روش کاربردی علم اقتصاد

حال که به انواع روش‌های علم اقتصاد در برهه‌های مختلف تاریخی اشاره نمودیم، اکنون نوبت بررسی وضعیت موجود روش کاربردی علم اقتصاد است. علم اقتصاد در سیر تاریخی خود، روش فرضیه‌ای قیاسی را به عنوان یگانه روش خود به رسمیت شناخته است. بر این اساس، ابتدا فرضیه‌ای بر اساس نظریات پیشین موجود در علم اقتصاد و گاهی با اندکی تغییرات انتخاب می‌گردد. سپس با نوعی قیاس به نتایج و آثار قابل آزمون این فرضیه، دست می‌یابد. در مرحله آخر این نتایج آزمون می‌شود. در صورتی که فرضیه از آزمون سربلند بیرون بیاید، فرضیه اصلی تأیید می‌شود و به عنوان یک نظریه توضیح‌دهنده

برای موارد دیگر به کار می‌رود. در صورت رد شدن فرضیه و عدم توان آن برای توضیح موارد جدید، فرضیه دیگری صورت‌بندی می‌شود که توان توضیح شواهد تجربی بیشتری را داشته باشد و با شواهد تجربی سازگار باشد. روش‌های پیچیده اقتصادسنجی نیز در دو بعد مطالعات استقرایی و آزمون تجربی در خدمت روش فرضیه‌ای قیاسی قرار گرفته است. البته در جریان‌های رقیب علم اقتصاد متعارف، روش‌های کیفی تفسیری و انتقادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی این روش‌ها در بدنه اصلی علم اقتصاد متعارف نقش و جایگاه چندانی ندارد و به شکل حاشیه‌ای و یا در خدمت جریان اصلی به کار می‌رود. شکل کلی روش‌های به کار گرفته شده در علم اقتصاد و وضعیت فعلی آنها با توجه به شیوه رایج نگارش کتب و مقالات اقتصادی در جدول ذیل به تصویر کشیده شده است:

جدول روش‌شناسی علم اقتصاد		
وضعیت فعلی روش‌ها در علم اقتصاد	سابقه روش‌ها در علم اقتصاد	انواع روش‌ها در علم اقتصاد
عدم استفاده	روش اصل موضوعی ساده	روش اصل موضوعی
عدم استفاده	روش اصل موضوعی با استفاده از فروض	
عدم استفاده	روش استقرای خام تاریخی	روش استقرایی و تجربی
در خدمت روش فرضیه‌ای قیاسی	استقرای آماری پیچیده با روش‌های اقتصادسنجی	
عدم استفاده	آزمون خام تجربی	
در خدمت روش فرضیه‌ای قیاسی	آزمون تجربی پیچیده با روش‌های اقتصادسنجی	
جریان اصلی علم اقتصاد	روش فرضیه‌ای قیاسی بر اساس میراث نظری علم اقتصاد	روش فرضیه‌ای

کم‌کاربرد در جریان اصلی علم اقتصاد	روش فرضیه‌ای قیاسی بر اساس حدس‌های آزادانه	قیاسی
دارای کاربرد نسبی	روش فرضیه‌ای قیاسی بر اساس فروض تسهیل‌کننده	
در خدمت روش فرضیه‌ای قیاسی	روش‌های کیفی پرسش‌نامه‌ای	روش‌های تفسیری و کیفی
در خدمت روش فرضیه‌ای قیاسی	روش‌های تفسیری ترکیبی	
در ادبیات اقتصاد سیاسی و در حاشیه جریان اصلی	روش‌های تحلیلی انتقادی	

روش کاربردی اقتصاد متعارف از منظر حکمای اسلامی

در ادامه، روش کاربردی علم اقتصاد از منظر حکمای اسلامی تحلیل و نقد می‌شود.

۱. روش اصل موضوعی در دیدگاه حکمای اسلامی

روش اصل موضوعی در اقتصاد متعارف دارای برخی اشکالات کلی در مقدمات، محل کاربرد و نقش فروض است. این اشکالات موجب می‌شود نگاه دقیق‌تری به نظر حکمای اسلامی درباره منطق استدلال انجام گیرد و سپس این منطق به شکل تفصیلی بر روش اصل موضوعی تطبیق گردد. اشکال‌های عمده روش اصل موضوعی از این قرار است:

۱. استفاده از مقدمات نادرست: استفاده از مقدمات وهمی به جای مقدمات بدیهی تحت عنوان شهود منجر به شکل‌گیری نظریات اقتصادی وهمی و غیر مطابق با واقع می‌شود. نظریه دکتر کنه درباره تشبیه نقش پول به جریان خون در جدول اقتصادی خود و دست نامرئی *آدام اسمیت* و تحلیل درد و لذت *بنتام* نمونه‌هایی از این نوع نظریه‌پردازی است. در این نظریات، مثال‌ها از حد تشبیه فراتر می‌روند و دارای نقش واقعی می‌گردند. اثر این نوع استدلال، نتیجه غیرواقعی است که فیزیوکرات‌ها درباره اقتصاد می‌گیرند: صنعت و تجارت به هیچ‌وجه تولید ثروت نمی‌کند و تنها بخش کشاورزی است که مولد ثروت است (دادگر، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵).

۲. استفاده نابه‌جا از این روش: استفاده از استدلال‌های عقلی در موضوعات تجربی نیز بر شدت مشکل می‌افزود و به نتایجی تجربیدی دور از واقعیت منجر می‌گشت. این نتایج نقض‌های فراوانی داشت که مورد اعتراض تجربه‌گرایان اقتصادی قرار گرفت. *مالتوس* اگرچه علم اقتصاد را معرفتی عملیاتی و تجربی به حساب می‌آورد، ولی در نظریه جمعیت در عمل به‌ویژه در ویرایش اول آن از این رویکرد فاصله گرفته است. بر اساس این نظریه، اگر مانعی بر سر راه رشد جمعیت نباشد با نرخ تصاعد هندسی افزایش می‌یابد ولی مواد غذایی در بهترین حالت به شکل تصاعد حسابی رشد می‌کند. وی منشأ تصاعد هندسی رشد جمعیت را گرایش سیری‌ناپذیر انسان به لذت‌های شهوانی و منشأ تصاعد حسابی رشد مواد غذایی را بهره‌وری نهایی نزولی کشاورزی اعلام می‌کند (دادگر، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳/تفضلی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱).

۳. استفاده افراطی از فروض ساده‌ساز و ایدئال: استفاده افراطی و نابه‌جا از این فروض در کنار مقدمات نظری مشوب به خطا، مشکل را مضاعف و فاصله با واقعیت را دوچندان می‌کند. این فروض برای بررسی علمی، کاربردی مانند فرضیه را دارند ولی هنگامی که در استفاده از آنها افراط شود و از سوی دیگری ابزاری برای بررسی و آزمون این فرضیات جزء سازگاری نظری در کار نباشد، فرضیات جای نظریات را در علم می‌گیرند و علم به مجموعه‌ای از فروض غیرمطابق با واقع تبدیل می‌گردد. یکی از فروض جدول اقتصادی دکتر کنه، اقتصاد ایدئال و بسته مبتنی بر رقابت آزاد و بدون تجارت بین‌المللی بود (تفضلی، ۱۳۹۸، ص ۸۷). جهان دوکالایی، فرض دیگری است که مورد استفاده کلاسیک‌های اقتصادی قرار گرفته است. این نمونه‌ها در بسیاری از موارد موجب فاصله بیشتر نظریات از واقعیت گشته است. فرض عدم مانع در برابر رشد جمعیت در نظریه *مالتوس* نیز بعدها با سیاست‌های کنترل جمعیت زیر سؤال رفت (دادگر، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴).

۴. در رویکرد حس‌گرا نیز نه‌تنها مشکل جدایی از واقعیت حل نشد، بلکه با نفی جایگاه متافیزیک، تمایز میان اصول موضوعه و متعارفه نیز از بین رفت و تمام اصول موضوعه، پیش‌فرض تلقی شدند. در نگاه تجربی، این اصول موضوعه به علت جدا بودن از واقعیت تجربی، پیش‌فرض نامیده می‌شوند. در نگاه کانتی این اصول به عنوان قالب

معرفت‌شناختی ذهن به حساب می‌آید و در نگاه نئوکانتی به پیش‌فرض‌های قابل تغییر در زمینه فرهنگی تبدیل می‌شوند (طالعی، ۱۳۹۱).

برای بررسی نظر حکمای اسلامی درباره منطق استدلال لازم است انواع استدلال به لحاظ ماده و صورت در نظر حکما تبیین گردد. انواع استدلال به لحاظ صورت استدلال از این قرار است: ۱. روش قیاس: در روش قیاس، از یک مقدمه کلی و یک قضیه جزئی به یک نتیجه جزئی رسیده می‌شود. این استدلال قیاسی ممکن است به شکل قیاس اقترانی و یا استثنایی باشد. همچنین هر کدام از این دو ممکن است متصل و یا منفصل باشد. ۲. روش استقرا: در این روش، از یک حکم جزئی به حکم کلی دیگر می‌رسیم. ۳. روش تمثیل: در این روش، از یک حکم جزئی به یک جزئی دیگر منتقل می‌شویم (پارسانیا، ۱۳۹۰، ص ۸۷-۸۹). در میان صورت‌های مذکور تنها قیاس دارای ارزش علمی است و می‌تواند منتج یقین علمی باشد؛ چراکه استقرا تنها در میان افراد جامعه مورد بررسی، قابلیت صدق دارد و نمی‌تواند حکم کلی کند، مگر به خاطر تداعی ذهنی که منتهی به حساب احتمال و حالت روان‌شناختی می‌شود. تمثیل نیز تنها در صورت کشف علت حکم، منتج است که در واقع از یک قیاس خفی بهره برده است. در نتیجه در استدلال‌های علمی تنها روش قیاس کاربرد دارد و روش استقرای تام نیز در افراد مورد بررسی اگر کارایی داشته باشد، قابل استفاده است؛ ولی معمول قضایای علمی قضایای شخصی نیست؛ بنابراین، کاربرد روش استقرا در قضایای علمی اندک است (همان، ص ۱۵۲). شکل معمول قیاس اقترانی در علم اقتصاد بدون در نظر داشتن صحت قضایا و مواد استدلال به این شکل است: در یک بازار فرضی، رقابت کامل برقرار است. در بازار رقابت کامل، خریداران و فروشندگان، گیرنده قیمت هستند. پس خریداران و فروشندگان در بازار مذکور، گیرنده قیمت هستند.

قیاس به لحاظ مواد مورد استفاده در آن نیز دارای پنج قسم است: ۱. اگر مواد قیاسی یقینی باشد، قیاس برهانی نامیده می‌شود و تصدیق یقینی را در پی دارد. یقینیات خود دارای انواعی است که در کتب منطق مورد اشاره قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۵۶-۶۵)؛ ۲. مواد مورد توافق طرفین و یا مورد پذیرش عموم (مشهورات و مسلمات)، قیاس جدلی را شکل می‌دهد که هدف از آن اقناع و اسکات مخاطب است؛ ۳. مقبولات و

مظنونان در قیاس خطابی، تنها مفید تصدیق ظنی است؛ ۴. گزاره‌های احساسی و مبالغه‌آمیز در قیاس شعری کاربرد دارد و تنها مفید تخیل و انگیزش احساسات است و مفید تصدیق نیست؛ ۵. مواد مغالطی در قیاس مغالطی به کار می‌آید و منجر به ظن شبیه به یقین می‌شود. در روش حکمای اسلامی، غرض و هدف از معرفت، نوع مواد شکل‌دهنده آن را تعیین می‌کند (ر.ک به: طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۷/ البزدی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۱۰-۱۱۱).

اکنون به بررسی روش اصل موضوعی با توجه به مباحث فوق می‌پردازیم. روش اصل موضوعی به لحاظ منشأ مواد استدلالی، از مواد خارج از نظریه استفاده می‌کند و به لحاظ صورت استدلال، از روش قیاس بهره می‌برد. مواد استدلال قیاسی در علم اقتصاد به شکل معمول از «حدس‌های مشاهده‌ای، مقدمات مقبوله و یا مشهورات» تأمین می‌شده است. در ادبیات اقتصادی به حدس‌های مشاهده‌ای، قضایای شهودی گفته می‌شود؛ یعنی دانشمند بدون اینکه مشاهده معینی داشته باشد، از مجموع مشاهدات درونی و بیرونی خود به یک برداشت شهودی کلی (بخوانید حدس علمی در ادبیات حکمت اسلامی) می‌رسد و از آن در مقدمات استدلال اصل موضوعی استفاده می‌کند. از نظر ایشان شهود منشأ بدهات است و چنین گزاره‌هایی بدیهی نیز هستند. البته برخی از این اصول موضوعه در زمانه خود، مغفول بوده و بعدها با توجه به لوازم استدلال‌های فلسفی این اصول موضوعه مورد تصریح قرار گرفته است؛ یعنی اقتصاددانان برای آن موضوع، جایگزینی سراغ نداشتند و لذا توجه هم نداشتند که این اصل موضوع مبنای نظریه‌شان قرار گرفته است؛ برای مثال رویکرد ماشینی ممکن است برای برخی از دانشمندان به عنوان تنها زمینه علمی مناسب، مورد پذیرش واقع شده باشد. مثال انواع اصول موضوعه در علم اقتصاد متعارف از این قرار است: ۱. مقدمات شهودی: تفکیک فیزیوکرات‌ها میان نظام‌های تکوینی و انسانی و لزوم اصلاح نظام‌های انسانی بر اساس نظام‌های تکوینی طبیعت و سخن از حقوق طبیعی نمی‌تواند منشأ غیرشهودی داشته باشد. البته فیزیوکرات‌ها آن را امری بدیهی و مسلم می‌دانستند. ۲. مقدمات مقبوله: جهان خودکار و نگاه ماشینی‌وار به انسان از مقدمات مقبوله دوران شکل‌گیری علم اقتصاد است. ۳. مقدمات مشهوره: لزوم جمع‌آوری طلای بیشتر در دوران سوداگران از مقدمات مشهوره نظریات مرکانتیلیست به حساب می‌آید (تفضلی، ۱۳۹۸/ دادگر، ۱۳۸۹).

این نوع نگاه به مواد و صورت استدلال نمی‌تواند مورد پذیرش روش کاربردی حکمای اسلامی باشد. حکمای اسلامی در روش کاربردی، از قیاس برهانی و استقرای تام و ناقص با توجه به محدودیت آن استفاده می‌کنند و در استفاده از قیاس برهانی، به مواد این استدلال اعم از بدیهی و نظری توجه دارند و این روش را به روش اصل موضوعی تقلیل نمی‌دهند؛ چراکه اصول موضوعه تنها گزاره‌هایی است که در یک علم مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ ولی بر اساس روش بنیادین و کاربردی حکمای اسلامی، مبادی یک علم از تعاریفات و اصول متعارفه (گزاره‌های بدیهی) و اصول موضوعه تشکیل شده است. تعاریفات را مبادی تصویری و اصول متعارفه و موضوعه را مبادی تصدیقیه می‌نامند. البته در استدلال‌های یک علم، می‌توان از مقدماتی که در همان علم قبلاً اثبات شده است نیز استفاده نمود (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۸). بر این اساس، علم اقتصاد اسلامی می‌تواند از ۱. مقدمات بدیهی، ۲. اصول موضوعه خارج از علم و یا ۳. مقدمات اثبات‌شده در نظریات گذشته علم اقتصاد استفاده کند؛ ولی میزان دخالت هر کدام از این مقدمات در نظریات اقتصادی متفاوت است. برخی نقش زمینه‌ساز و یا جهت‌دهنده نظریات را دارند و تنها برخی از آنها دارای نقش مولد نسبت به نظریات هستند. توجه به این مطلب نقش قابل توجهی در اصلاح ساختار نظریات اقتصادی دارد.

از سوی دیگر، همان‌طور که اشاره شد، در روش اصل موضوعی گاهی از فروض به جای اصول موضوعه استفاده می‌شود. در این روش، نوعاً از فرض‌های ساده‌ساز و یا آرمانی برای تحلیل استفاده می‌شود و سپس، نتایج به کل مصادیق و جهان غیرآرمانی تطبیق داده می‌شود؛ مثلاً جهانی دو کالایی در نظر گرفته می‌شود و بعد احکامی انتزاعی برای آن جهان تجریدی با روش قیاسی و یا روش شهود درونی به دست می‌آید؛ چراکه این فروض معمولاً در خارج قابل تحقق نیست. سپس احکام آن برای حالت‌های دیگر و جهان واقعی تعمیم داده می‌شود. در این روش، اگر نظریه در مواردی با مشکل مواجه شود، پژوهشگر در وهله اول به دنبال عامل مزاحم می‌گردد و تلاشی برای بازسازی نظریه خود انجام نمی‌دهد. البته روشن است که نقش فروض در نظریات، متفاوت از جایگاه آنها روش فرضیه‌ای قیاسی و یا نقش فرضیات در روش علمی است. این نحوه استدلال یکی در میزان تجرید اولیه (رقابت کامل، جهان دوکالایی و ...)، دیگری در احکام همان مرحله اول

(احکام و آثار جهان دو کالایی) و سپس در تعمیم آن به تمام افراد و حالات ممکن است دچار آسیب شود؛ زیرا در این روش، در هر یک از فرض‌ها با توجه به نوع دخالت و انتزاع عقل باید نظر داد. در برخی از فرض‌ها انتزاع مطابق واقع لحاظ شده است و برخی دیگر جهت تسهیل محاسبه، فرض گرفته می‌شود. در نوع دوم فرض‌ها، نوعی اعتبار و قرارداد جامعه علمی به اقتضای نیاز شکل گرفته است؛ برای مثال در جایی که نیاز پیش‌بینی است و این نظریه علیرغم اینکه از فرض‌های خلاف واقع استفاده می‌کند، در مقام عمل کارایی دارد، به همان میزان قابل پذیرش است و تعمیم فراتر از آن نادرست است؛ لذا چنین نظریاتی به میزانی که کشف واقع در آن لحاظ شده، با ملاک مطابقت با واقع باید سنجیده شوند و در مواردی که تسهیل محاسبات و رسیدن به پیش‌بینی در مقام عمل در آن لحاظ شده است، تنها از همان جنبه کارایی عملی باید مورد بررسی قرار گیرد. بررسی انواع اعتبارات و قراردادهایی که جامعه علمی در مقام عمل برمی‌گزیند، مجال دیگری می‌طلبد. توضیحات فوق به معنای پذیرش مقید روش استفاده از فروض در نظریه‌پردازی اقتصادی است.

دلالت مطلب فوق برای اقتصاد اسلامی این است که اقتصاد اسلامی اگر در مسیر و روش حکمای اسلامی، جریان یابد دچار اعوجاج نظری اقتصاد متعارف نخواهد گشت و در غیر این صورت با همان آسیب‌ها مواجه خواهد شد.

۲. روش تاریخی استقرایی و روش تجربی در دیدگاه حکمای اسلامی

در نظر حکمای اسلامی، پس از شکل‌گیری مشاهده حسی با تجمیع مشاهده‌ها، استقرا شکل می‌گیرد. استقرا بر دو نوع است: استقرای تام و ناقص؛ استقرای تام جایی به کار می‌رود که تمام موارد و افراد و اعضای جامعه مورد نظر، بررسی شود و سپس حکم استقرا شده بر همه اعضا بار گردد. این نوع شناخت در روش سرشماری جمعیتی کارایی دارد و داده‌های اقتصادی کامل پس از سرشماری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و می‌تواند به تولید نظریه‌ای اقتصادی منجر شود. بسیاری از توابع مصرف در اقتصاد کلان با این‌گونه مطالعات استخراج شده است.

اما اقتصاددانان و متخصصان آمار به علت محدودیت‌های استقرای تام از استقرای ناقص و نمونه‌های تصادفی استفاده می‌کنند. در روش کاربردی حکمای اقتصاد اسلامی، استقرا و مشاهده ناقص، مقدمه تجربه است. استقرای ناقص، برای علمی شدن باید از قضایای عقلی کمک بگیرد؛ به این شکل که گزاره‌های ناشی از استقرا، صغرای یک قیاس برهانی قرار می‌گیرد که کبرای آن یک حکم عقلی است: مانند اکثری اتفاقی نیست. در این صورت، با قیاس تجربی و دستیابی به علت می‌توان به یقین علمی رسید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲، صص ۳۲ و ۵۷۰). البته همچنان در علوم تجربی محدودیت‌هایی در رسیدن به علت وجود دارد؛ زیرا یافتن اکثری و یافتن علت اصلی، امری مشکل است؛ لذا اعتبار چنین استدلالی تابع کارایی آن خواهد بود و به تبع آن، نتایج نیز از قطعیت علمی خارج می‌گردد. بنابراین روش استقرایی، سه کاربرد نزد حکمای اسلامی دارد: یک) استقرای تام در صورت وجود اطلاعات آماری کامل؛ دو) استقرای ناقص به عنوان مقدمه تجربه با ضمیمه شدن مقدمات عقلی دیگر به منظور رسیدن به علت پدیده مورد مطالعه؛ سه) استقرای ناقص بدون دستیابی قطعی به علت: در این صورت، اعتبار قضیه تابع کارایی عملی آن در قضایای اقتصادی خواهد بود. توجه به تفاوت این سه کاربرد موجب ارزش‌گذاری معرفت‌شناختی صحیح برای قضایا می‌گردد.

۳. روش فرضیه‌ای قیاسی در دیدگاه حکمای اسلامی

ابتدا شکل کلی دو روش فرضیه‌ای قیاسی و قیاس استثنایی در قالب مثال بیان می‌گردد و سپس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش فرضیه‌ای قیاسی: مطابق نظریه سی، هر تولیدی تقاضای خود را در پی دارد. اگر نظریه سی صحیح باشد، میزان الف از تولید باید تقاضای الف را در پی داشته باشد. لکن تقاضا به میزان الف نیست، پس نظریه سی صحیح نیست؛ لکن تقاضا به میزان الف است، پس نظریه تأیید می‌گردد.

روش قیاس استثنایی: «اگر بازاری رقابت کامل باشد، بازیگران در بازار گیرنده قیمت هستند». نوع اول (وضع مقدم): «لکن بازار رقابت کامل است»؛ نتیجه: «پس افراد در این

بازار گیرنده قیمت هستند». نوع دوم (رفع تالی): «لکن در بازار مورد بررسی، افراد گیرنده قیمت نیستند»؛ نتیجه: «پس بازار مذکور بازار رقابت کامل نیست».

به لحاظ صوری ۱. در نگاه حکمای اسلامی قیاس منحصر به قیاس استثنایی نیست و قیاس استثنایی نیز خود دارای دو صورت منتج است (طالعی، ۱۳۹۲، ص ۸۹/ الیزدی، ۱۴۲۷ق، صص ۱۰۳ و ۳۷۰ و ۶۵/ طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). ۲. قیاس استثنایی در حالت وضع مقدم و حالت رفع تالی منتج است. ولی روش فرضیه‌ای قیاسی از آنجاکه برای آزمون فرضیات بنا شده و فرضیات پیش از ورود به قیاس اثبات نشده‌اند تنها بر رفع تالی استوار است و تنها در جهت ابطال می‌توان از آن نتیجه‌گیری نمود. ۳. در روش فرضیه‌ای قیاسی، ابطال قطعی است ولی اثبات نظریه قطعی نبوده و مطابق نظر پوپر، نظریه به شکل موقتی تأیید می‌شود. در قیاس استثنایی با اثبات مقدم، حصول تالی قطعی می‌گردد و نتیجه به شکل قطعی ثابت می‌گردد. در صورت دوم نیز با رفع تالی، مقدم رفع قطعی می‌شود و به عبارتی ابطال می‌گردد. شکل معمول قیاس استثنایی در اثبات نظریات کارایی ندارد و بر اساس منطق استدلال، عدم ابطال موجب تأیید نظریه نیز نمی‌گردد. ۴. در بخش ابطال نیز اگر جمله شرطیه لزومیه نباشد و اتفاقیه باشد، یعنی رابطه علی میان مقدم و تالی برقرار نباشد، با کذب نتایج نمی‌توان به‌طور قطعی ابطال مقدم را نتیجه گرفت. پوپر تصریحی به ضرورت لزومیه بودن رابطه مقدم و تالی نمی‌کند؛ ولی در عمل آن را رعایت نموده است (Popper, 2002, p.39). ۵. ملاک آزمون نظریات در روش فرضیه‌ای قیاسی تجربه است؛ ولی در قیاس استثنایی، ملاک اصلی تجربه نیست؛ اما می‌توان در آن برای رفع یا وضع مقدم یا تالی از روش تجربه نیز بهره برد.

روش فرضیه‌ای قیاسی به لحاظ مواد استدلال می‌تواند مبادی خود را از خزینه خیال و وهم فردی یا جمعی افراد و جوامع به عنوان بنیان‌ها یا پایگاه‌های موقت معرفت به دست آورد. نتیجه استفاده از این‌گونه حدس‌ها، محرومیت همیشگی از علم یقینی است (پارسانیا، ۱۳۸۲، ص ۱۵-۱۶). این قضایای وهمی به عنوان و اشکال مختلفی مانند قضایای شهودی، مقدمات مقبوله و یا قضایای مشهوره در علم اقتصاد ظاهر می‌گردد؛ لذا ارزش معرفت‌شناختی نتایج این مقدمات تابع بی‌ارزش‌ترین آنهاست و خروجی نظریات نیز به قضایایی وهمی تنزل می‌یابد. در روش فرضیه‌ای قیاسی این نتایج با تغییراتی به دامن

آزمون سپرده می‌شود و نظریات قبلی در قالب نظریات جدید بازتولید می‌گردد. این روش از گزاره‌های بدیهی در نظریه احتراز دارد؛ چراکه این قضایا از نظر پوپر، همان‌گویانه است و قابل آزمون و ابطال نیست. پوپر در قضیه شرطیه از هر ماده‌ای استفاده می‌کند. این مواد غیریقینی و یا حداکثر ظنی است و برتری حدس‌های متهورانه در نظر او نشان می‌دهد که حتی مواد ظنی هم جایگاه چندانی در استدلال او ندارند (طالعی، ۱۳۹۲، ص ۸۹)؛ اما نباید فراموش شود که پوپر این ضعف را با حفظ رابطه مقدم و تالی جبران نموده و در صورت ابطال نتایج می‌توان ابطال قطعی مقدم را نتیجه گرفت. اشکال وارد بر پوپر در این زمینه تاتولوژی و این همان‌گویی دانستن گزاره‌های بدیهی و منطقی و روابط ریاضی است؛ زیرا تاتولوژی‌ها نسبتی با جهان خارج ندارند و این مطلب، راه را بر استدلال و نتیجه‌گیری‌های او می‌بندد.

در مقابل، در نگاه حکمای اسلامی با ساماندهی قضایای بدیهی و نظری و توجه به منشأ مواد استدلالی می‌توان به کلیات دست یافت و در دام پیش‌فرض‌های وهمی و خیالی نیفتاد. مواد قیاس استثنایی در اقتصاد اسلامی باید قضایای بدیهی و یا نظری مرتبط با نفس انسان و کنش اقتصادی وی باشد. در غیر این صورت، بررسی فرضیات با قیاس استثنایی تنها به عنوان گامی میانی در فرایند بررسی علمی قابل پذیرش است و عدم ابطال نتیجه‌ای جز عدم ابطال ندارد. از سوی دیگر، با توجه به عدم انحصار در قیاس استثنایی، شکل‌های مختلف و مواد متناسب در ساخت قضایای اقتصاد اسلامی قابلیت کاربرد دارد. ظرفیت نقد و بازسازی نظریات اقتصادی بر اساس بررسی انتقادی مواد استدلال یکی دیگر از مزایای روش حکمای اسلامی است که می‌تواند مورد استفاده اقتصاد اسلامی قرار گیرد.

۴. جایگاه حدس و فرضیه در دیدگاه حکمای اسلامی

اکنون که دیدگاه حکمای اسلامی درباره روش فرضیه‌ای قیاسی تبیین شد، لازم است به جایگاه حدس و فرضیه نزد حکمای اسلامی نیز اشاره شود. روش دیگر قابل استفاده از دیدگاه حکمای اسلامی، روش حدس است. یکی از مقدمات بدیهی استدلال، حدسیات است. مقدمات حدسی، از انتقال دفعی ذهن از مبادی به مطلوب به دست می‌آید؛ ولی این انتقال با دو شرط «وجود تصدیقات» و «ارتباط آنها با حدس مورد نظر» اتفاق می‌افتد و از

هر تصدیقی، هر حدسی به دست نمی‌آید (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۷۳)؛ بنابراین مقدمات حدسی با حدس‌های متهورانه پوپر متفاوت است؛ چراکه او مبادی و مناسبت آنها را لحاظ نکرده و معتقد است از هرجایی می‌توان آن را تأمین نمود. پس از شکل‌گیری حدس، پوپر حدس را آزمون می‌کند و اگر ابطال نشد می‌پذیرد؛ ولی در نگاه حکمای اسلامی اولاً بررسی منحصر به آزمون نیست و بررسی سازگاری درونی میان مقدمات و نتایج و مطالعه منشأ مواد استدلال راهکاری تکمیلی برای استدلال اقتصادی است؛ ثانیاً حدس مذکور فی نفسه می‌تواند نتیجه‌ای قطعی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، گزاره حدسی نزد حکمای اسلامی، یک نتیجه قطعی از تصدیقات گذشته و مرتبط با آنهاست که به شکل دفعی حاصل می‌شود ولی نزد پوپر یک قضیه احتمالی است که ارتباط چندانی هم با تصدیقات گذشته ندارد. در علم اقتصاد، حدس‌های علمی اقتصادی نوعاً توسعه نظریات گذشته با انتخاب شرایط جدید است و اگرچه بی‌ارتباط با تصدیقات گذشته نیست، ولی برای پذیرش نیازمند آزمون است.

حدس‌های علمی با صورت‌بندی علمی نزد پوپر تبدیل به فرضیه می‌شوند و در علم اقتصاد نیز توسعه نظریات گذشته در قالب فرضیات آغاز می‌گردد. از دیدگاه حکمای اسلامی، استفاده از فرضیه استفاده دارای محدودیت‌هایی است. فرضیه از نظر علامه طباطبایی کاشفیتی از واقع ندارد و صرف عدم ابطال برای آن ثمری ندارد: «فرضیه» برای تشخیص خط سیر است که سلوک علمی ما راه خود را گم نکند و گرنه استنتاج مسائل رهین براهین مسئله و تجربه و سایر علل تولید نظریه می‌باشد نه معلول فرضیه و حال فرضیه درست مانند حال پای ثابت پرگار می‌باشد که با استوار بودن او، خط سیر پای متحرک پرگار گرفتار بیهوده‌روی و گمراهی نمی‌شود، نه اینکه نقاطی را که پای متحرک دنبال هم می‌چیند پای ثابت چیده باشد» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۸)؛ به عبارت دیگر، فرضیه می‌تواند مسیر حرکت علمی و بررسی‌های ابتدایی را در مطالعه علمی تبیین کند؛ اما در ادامه نیازمند استفاده از استدلال علمی برای اثبات نظریات است و اگر نظریه‌ای اثبات نگردد، دارای اعتبار علمی نبوده و در صورت کارایی صرفاً می‌تواند از همان جهت مورد استفاده قرار گیرد.

۵. روش‌های کیفی - تفسیری در دیدگاه حکمای اسلامی

بر اساس نظر حکمای اسلامی، انسان دارای وجودی با مراتب مختلف است و علم اقتصاد اسلامی در هر مرتبه به اقتضای نوع وجود مادی یا غیرمادی آن، باید روش متناسب با آن را پی بگیرد. موضوع اصلی علم اقتصاد، افعال انسان است و افعال انسان به علت مسبوق بودن به اراده و آگاهی، دارای معنا و لذا نیازمند تفسیر و فهم هستند. همچنین بخشی از موضوعات اقتصادی که مربوط به کنش اقتصادی انسان است در حیطه این روش قرار می‌گیرد. چنین موضوعاتی تفسیری نامیده می‌شوند و روش علم اقتصاد به تبع موضوع آن یعنی انسان و کنش اقتصادی وی، غیر از روش علوم طبیعی است. ولی تعمیم بی‌جا - در تفسیر محور دیدن مسائل فنی علم اقتصاد و یا نگاه تفسیری به متن علم اقتصاد - و یا نادیده گرفتن آن - در رویکردهای رفتارگرا - و همچنین اکتفا به صرف فهمیدن کنش و صرف نظر از بررسی انتقادی و تجویز، صحیح نیست؛ بنابراین نتیجه‌ای که از این روش به دست می‌آید، تنها در حیطه خود معتبر است؛ برای مثال تحلیل گفتمان و محتوا در روش‌های پرسش‌نامه‌ای در جامعه نخبگانی حاکی از وضعیت غالب نظری میان نخبگان آن رشته است و دلالتی برای درستی و یا نادرستی یک نظریه ندارد و سنجش نظریات نیازمند ابزارهای متناسب دیگری است؛ لذا روش دلفی برای شناخت عرف و دیدگاه جامعه و یا نخبگان درباره موضوعی عقلایی اقتصادی مناسب است؛ ولی برای اثبات یک نظریه کارایی ندارد. همچنین با این روش می‌توان موانع ذهنی افراد جامعه برای اجرای سیاست‌های اقتصادی را بررسی نمود.

۶. روش‌های انتقادی در دیدگاه حکمای اسلامی

روش‌های انتقادی با استفاده از روش تفسیری به فهم روابط قدرت و ثروت و سپس با روش انتقادی به تجویز راهکارهایی برای آزادی انسان از این قیود خودساخته می‌پردازند. یکی از روش‌های انتقادی تحقق‌یافته در علم اقتصاد، رئالیسم انتقادی است. رئالیسم انتقادی در روش تحقیق تابع ویژگی‌های مشکل‌مورد بررسی است و معمولاً ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را پیشنهاد می‌کند ولی تمایل بیشتری به روش‌های کیفی دارد (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

اگرچه رئالیسم انتقادی اقتصادی در رویکرد انتقادی خود، منبعیت عقل را به رسمیت می‌شناسد و از آن در گزاره‌های تجویزی و ارزشی اقتصادی نیز بهره می‌برد، ولی این شناخت فراتر از جنبه تاریخی نرفته و به عقل عرفی اکتفا می‌کند. عقل عرفی تحت سلطه فهم تاریخی از روابط قدرت و ثروت بوده و لذا در تجویز راهکار نیز لزوماً موفق عمل نمی‌کند؛ اما اقتصاد اسلامی در صورت استفاده از نظر حکمای اسلامی و به رسمیت شناختن عقل متافیزیکی، عقل نظری و عقل عملی، عقل قدسی، عقل فعال و عقل مستفاد مسیر فراخی اولاً در تبیین وضعیت موجود و ثانیاً در تبیین ارزش‌ها و تجویز راهکارهای تغییر وضعیت موجود اقتصادی به وضعیت مطلوب در پیش رو دارد. اقتصاد اسلامی با استفاده از وحی الهی و عقل عملی و نظری توان داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌های اقتصادی را پیدا می‌کند و در نتیجه با حفظ هویت علمی خود وظیفه تدبیر اقتصادی را نیز عهده‌دار می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۱، صص ۵۰، ۷۹، ۹۱ و ۹۲).

بر این اساس، روش انتقادی در بعد تجویزی علم اقتصاد کاربرد قابل توجهی دارد؛ ولی منبع شناخت در این روش، عقل عرفی نیست؛ زیرا حضور زیست‌جهان در ساختار معرفت علمی و تاریخی بودن شناخت علمی با توجه به پذیرش عقل مفهومی و عقل شهودی، مورد پذیرش حکمای اسلامی نیست. زیست‌جهان و فضای زندگی فردی - اجتماعی تنها در معرفت‌های عرفی حضور دارد. از نظر حکمای اسلامی، حکمت عملی راهی برای رسیدن به اهداف عالی بوده و برخلاف اقتصاد متعارف که سیاست‌گذاری در آن خارج از مسیر علم اقتصاد به وقوع می‌پیوندد، سیاست‌های تجویزی در اقتصاد اسلامی در مسیر علمی اقتصاد اسلامی تعیین می‌گردد. بر این اساس، هدف اقتصاد اسلامی، رسیدن به اهداف میانی در جهت سعادت و کمال انسان است. در نتیجه، اقتصاد اسلامی، علمی ابزاری نخواهد بود و دارای بعد تجویزی است و این بعد همان‌طور که گذشت، خارج از علم اقتصاد اسلامی طبقه‌بندی نمی‌گردد. اقتصاد اسلامی در بعد تجویزی به تبیین اهداف، ارزش‌ها و سیاست‌های اقتصادی برای رسیدن به آرمان‌های اقتصادی می‌پردازد و در این مسیر از وحی و نقل آن بهره می‌برد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جریان اصلی علم اقتصاد تطورات روش‌شناختی را پشت سر گذاشته و اکنون روش اصلی علم اقتصاد متعارف، روش فرضیه‌ای قیاسی با استفاده از نظریات پیشین علم اقتصاد است. مقاومت علم اقتصاد نسبت به نظریات اصلی بسیار زیاد بوده و به‌سختی این نظریات کنار گذاشته می‌شود؛ برای مثال نظریه عقلانیت کامل با مطالعات تجربی بسیار و در اواخر قرن بیستم تبدیل به نظریه عقلانیت محدود گشت. نظریه جدید در این روش حاوی تغییر ۱۲۷ ماهوی نسبت نظریات گذشته نیست و معمولاً تقیید و اصلاحی در همان نظریات است. سایر روش‌ها به عنوان روش کمکی به یاری روش فرضیه‌ای قیاسی می‌آید و آن را تکمیل می‌کند. از نقد روش غالب و سایر روش‌های علم اقتصاد بر اساس مبانی حکمای اسلامی، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

از نظر حکمای اسلامی، استفاده از مقدمات وهمی، استدلال‌های عقلی و فروض ساده‌ساز بدون توجه به محدودیت‌های آن موجب آسیب جدی به نظریه‌پردازی اقتصادی در روش اصل موضوعی می‌گردد. حکمای اسلامی در صورت استدلال، استفاده از قیاس اقرانی در قضایای علمی را توصیه می‌کنند و در مواد استدلال معتقدند باید از قضایای بدیهی و یا قضایای نظری اثبات‌شده در علم اقتصاد و یا علوم دیگر باشد؛ بنابراین استفاده از قضایای مشهوره و خطابی و خیالی و یا وهمی در قضایای اقتصادی مردود بوده و نمی‌تواند نتایج علمی به بار آورد. استفاده از فروض در روش اقتصادی تابع محدودیت‌های این فروض است و همچنین نتایج محدودی دارد و نباید در استفاده از آن افراط نمود.

روش استقرایی به شکل استقرای تام در صورت وجود اطلاعات آماری کامل، استقرای ناقص به عنوان مقدمه تجربه برای رسیدن به علت پدیده اقتصادی و در صورت عدم دستیابی قطعی به علت پدیده اقتصادی به عنوان قضیه عملی به کار می‌رود.

قیاس استثنایی باید مقدمات خود را از محلی مناسب و یا فرضیه‌های ضابطه‌مند به دست آورد و با وضع مقدم و رفع تالی منتج است. حدس نزد حکمای اسلامی، یک نتیجه قطعی از تصدیقات گذشته و مرتبط با آنهاست که به شکل دفعی حاصل می‌شود و فرضیه نیز برای تعیین حرکت کلی مسیر علمی است و بدون اثبات علمی به وسیله مقدمات مرتبط با آن به نظریه علمی تبدیل نمی‌گردد.

روش تفسیری در موضوعات تفسیرمحور مانند کنش اقتصادی انسان کارایی دارد و همچنین می‌تواند موانع ذهنی اجرای سیاست‌های اقتصادی را با روشی مانند دلفی استخراج نمود. بنیان روش انتقادی در نظر حکمای اسلامی بر عقل عرفی نیست و بر عقل متافیزیکی - در روش استدلال عقلی فلسفی - و قدسی - در استفاده از وحی و نقل آن - تکیه دارد. این روش در بعد تجویزی علم اقتصاد به کار می‌آید. بر این اساس، استفاده از وحی و نقل آن در نظریات تجویزی و سیاستی علم اقتصاد کارایی قابل توجهی خواهد یافت.

آنچه گذشت بررسی انتقادی روش اقتصاد متعارف بر اساس مبانی حکمای اسلامی و اجمالی از نتایج آن برای علم اقتصاد اسلامی بود. اقتصاد اسلامی در صورت استفاده از مبانی مذکور، از مزایای آن بهره‌مند می‌گردد و در غیر این صورت، از آسیب‌هایی که اقتصاد متعارف با آن مواجه است در امان نخواهد بود. بررسی تفصیلی نتایج ایجابی مبانی مذکور برای اقتصاد اسلامی نیازمند مجال دیگری است.

منابع و مأخذ

۱. آذر، عادل و علی رجب‌زاده؛ «طراحی مدل پیش‌بینی ترکیبی در صنعت نفت»؛ پژوهش‌نامه بازرگانی، ش ۳۴، ۱۳۸۴.
۲. استراس، آنسلم و جولیت ام کوربین؛ اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه بیوک محمدی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۳. _____؛ مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای؛ ترجمه ابراهیم افشار؛ تهران: نشر نی (ترجمه ویرایش دوم کتاب اصلی)، ۱۳۹۰.
۴. اعرابی، سیدمحمد و محمدعلی حمیدرفیعی؛ «درآمدی بر پژوهش کیفی: نگرش‌های فلسفی، روش‌ها و شیوه‌های گردآوری اطلاعات»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۸.
۵. بلاگ، مارک؛ روش‌شناسی علم اقتصاد: اقتصاددانان چگونه تبیین می‌کنند؟؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۶. پارسانیا، حمید؛ «روش‌شناسی، فلسفه سیاسی و علم سیاست»؛ فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۲، ۱۳۸۲.

۷. _____؛ روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی؛ قم: کتاب فردا، ۱۳۹۰.
۸. _____؛ جهان‌های اجتماعی؛ قم: کتاب فردا، ۱۳۹۱.
۹. _____؛ «نظریه و فرهنگ: روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی»؛ راهبرد فرهنگ، ش ۲۳، ۱۳۹۲.
۱۰. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۸.
۱۱. توکلی، محمدجواد؛ «پژوهشی در تعیین حدود و مرزهای مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی»؛ معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۵، ۱۳۹۵.
۱۲. _____؛ مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
۱۳. دادگر، یدالله؛ «روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۱۱، ۱۳۷۹.
۱۴. دادگر، یدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی؛ قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۹.
۱۵. داو، شیلا سی؛ کنکاشی در روش‌شناسی اقتصاد؛ ترجمه محمود متوسلی و علی رستمیان؛ تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۸۸.
۱۶. درخشان، مسعود؛ «درس‌گفتار تاریخ عقاید اقتصادی»؛ دانشگاه علامه طباطبایی، منتشرشده توسط مدرسه اقتصاد، ۱۳۹۴.
۱۷. دیناردو، جان و جک جانستون؛ روش‌های اقتصادسنجی؛ ترجمه علی‌اکبر خسروی‌نژاد و فریدون اهرابی؛ تهران: نورعلم، ۱۳۸۸.
۱۸. رحمان‌زاده، مهدی؛ «تحقیق کیفی، فرهنگ علوم انسانی و اسلامی»؛ قم: پژوهشکده باقرالعلوم، سایت پژوهه، ۱۳۹۳.
۱۹. رئیس دانا، فریبرز؛ رویکرد و روش در اقتصاد؛ تهران: آگاه، ۱۳۸۳.
۲۰. زریباف، سیدمهدی؛ «علم اقتصاد نوین از دیدگاه مکاتب روش‌شناسی»؛ نامه علوم انسانی، ش ۱، ۱۳۷۹.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم؛ اللغات المشرقیه فی الفنون المنطقیه؛ تصحیح، ترجمه و شرح عبدالمحسن مشکوة‌الدینی؛ تهران: آگاه، ۱۳۶۲.
۲۲. صدر، سیدمحمدباقر؛ اقتصادنا؛ خراسان: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۲۳. طالعی اردکانی، محمد؛ «پیش‌فرض‌های علم از دیدگاه پوزیتیویسم و ملاصدرا: بررسی مقایسه‌ای»؛ مجله معرفت، ش ۱۷۵، ۱۳۹۱.
۲۴. _____؛ «روش‌شناسی بنیادین و روش‌شناسی کاربردی در علوم اجتماعی»؛ مجله معرفت، ش ۲، ۱۳۹۲.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ مقدمه و پاورقی شهید مطهری؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۲۶. _____؛ برهان؛ ترجمه و تحقیق مهدی قوام صفری؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۲۷. عزتی، مرتضی؛ «تحلیل امکان استفاده از مصادیق عینی و تجربی برای پژوهش در زمینه نظام اقتصادی اسلام»؛ مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۸، ۱۳۸۳.
۲۸. علیدوستی، سیروس؛ «روش دلفی: مبانی، مراحل و نمونه‌هایی از کاربرد»؛ فصلنامه علمی ترویجی مدیریت و توسعه، ش ۳۱، ۱۳۸۵.
۲۹. عیسوی، محمود؛ «معرفت‌شناسی، عقلانیت و اقتصاد»؛ فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۱، ۱۳۷۹.
۳۰. غنی‌نژاد اهری، موسی؛ مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد؛ تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.
۳۱. گال، مردیت و دیگران؛ روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۳۲. متوسلی، محمود و علی رستمیان؛ ریطوریکای علم اقتصاد در نگاه مک‌لاسکی: آنارشیزم روش‌شناختی یا پلورالیسم روش‌شناختی؛ تحقیقات اقتصادی، ش ۳، ۱۳۸۸.
۳۳. محمدپور، احمد، علیزاده، محمد و مهدی رضایی؛ «مقدمه‌ای بر بنیان‌های فلسفی و روش‌شناختی رئالیسم انتقادی»؛ دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، ش ۵، ۱۳۹۰.
۳۴. مک‌لاپ، فریتز؛ «چرا اقتصاددانان توافق ندارند؟» ترجمه یدالله دادگر؛ مجله روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۱۳، ۱۳۷۶.
۳۵. میرمعزی، سیدحسین؛ «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۲، ۱۳۸۵.
۳۶. مؤمنی، فرشاد؛ مرزهای دانش توسعه؛ تهران: نشر نهادگرا، ۱۳۹۹.

۳۷. مینی، پیرو؛ **فلسفه و اقتصاد**؛ ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۳۸. نظری‌پور، محمدنقی؛ «آزمون‌های تجربی در اقتصاد و کاربرد آن در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه **اقتصاد اسلامی**، ش ۱۷، ۱۳۸۴.
۳۹. نظری‌پور، محمد و مهدی الله‌دادی؛ «ارائه چارچوبی برای تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با استفاده از روش فراترکیب و دلفی»؛ **دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی**، ش ۳، ۱۳۹۶.
۴۰. همایون کاتوزیان، محمدعلی؛ **ایدئولوژی و روش در اقتصاد**؛ ترجمه محمد قائد؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۴۱. الیزدی، المولی عبدالله بن‌الحسین؛ **الحاشیه علی تهذیب المنطق**؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
42. Audi, Robert; "Axiomatic method" in The Cambridge dictionary of philosophy; 2nd edition, Cambridge university press, 1995.
43. Boland, Lawrence A.; **Methodology for a new microeconomics: the critical foundations**; Canada: Simon Fraser University, 1998.
44. Davis, John B. and Marciano, Alain, Jochen Runde; **The Elgar Companion to Economics and Philosophy**; USA and UK: Edward Elgar, 2004.
45. Encyclopedia Britannica; "Keynes, John Neville"; Encyclopedia Britannica Ultimate Reference Suite, Chicago: Encyclopedia Britannica, 2011.
46. Friedman, Milton; **The methodology of positive economics**; Chicago: University of Chicago Press, 1953.
47. Hausman, Daniel M.; **Philosophy of economics an ontology**; UK: Cambridge, 2008.

48. Popper, Karl; **The logic of scientific discovery**; Routledge, London and NewYork: Taylor & Francis e-library, 2002.
49. Rosenberg, Alex and Yuri Balashov; **Philosophy of science: contemporary readings**; London and NewYork: Routledge, 2002.
50. Rosenberg, Alex; **philosophy of science: a contemporary introduction**; London and NewYork:Routledge, 2005.

۱۳۶

